

نگاهی جدید به معماری دفاعی اورارتو

دکتر علیرضا هژبری نوبری □ □

استادیار گروه باستان‌شناسی دانشگاه تربیت مدرس □ □

چکیده

موقعیت جغرافیایی اورارتو را می‌توان در مناطقی مشخص کرد که آثاری مبنی بر اسکان از این دوره در آنها پیدا شده است. اورارتو تمدنی است که در شرق ترکیه، شمال غربی ایران، قسمتی از ارمنستان و شمال شرقی عراق شکل گرفته است. این نقاط از شمال به تاش کپرو در کناره شرقی دریاچه چلدر که در آن کتیبه‌ای از ساردور دوم به دست آمده است و لچشن که در آن نوشته‌ای از آرکیشتی اول پیدا شده، از جنوب غربی به ایزولی که در آن کتیبه‌ای از ساردور دوم به دست آمده، از جنوب شرقی به مناطقی که کتیبه‌های کلیشن و تاش تپه در آنها به دست آمده است و هر دو کتیبه به دوره منوا مربوط می‌شود. از شرق به سنگ نوشته‌های رازلیق و نشتبان و از غرب به آلتین تپه محدود می‌گردد و تمام این دلایل نمایانگر اسکان اقوام اورارتویی در این مناطق است.

قدیمیترین منبعی که در آن به وجود اورارتو اشاره شده متون آشوری قرن سیزده قبل از میلاد است که در آنها واژه‌های «اورواتری» و «نایئری» آمده است. این مناطق تا قرن نهم قبل از میلاد به صورت ملوک الطوایفی اداره می‌شدند و از اواسط قرن نهم قبل از میلاد قبایل ساکن در آنها برای حفظ خود در برابر حمله‌های مداوم آشوریها متحد شدند و دولت اورارتو را تشکیل دادند.

با بررسی قلعه‌های اورارتویی از نقطه نظر معماری، موقعیت نظامی و جانشینی با آنچه که در موقعیت سیاسی و نظامی این دوره می‌شناسیم، سعی کرده‌ایم ظهور اورارتو و برخورد آن را با آشوریها در این دوره پرآشوب بیان کنیم. این تحقیقات عبارتند از:

الف) مصالح ساختمانی مانند خاک رس (خشت)، سنگ و چوب و چگونگی استفاده آنها در ساخت قلعه‌ها.

ب) تجدید نظر در تئوریهای ارائه شده بعضی از پژوهشگران مانند کلایس، آذربی، جونسون و چلینگیراوغلو در مورد نگاری و ارائه نظریه جدید.

این روشها به ما اجازه می‌دهد تا عواملی را که به صورت مداوم یا مقطعی در ساختار این معماری استفاده شده است، مطالعه کنیم.

کلید واژه‌ها: معماری دفاعی، اورارتو



۱. مقدمه

محدوده جغرافیایی اورارتو که مساحتی حدود ۲۲۰۰۰۰ کیلومتر مربع را شامل می‌شود، از شمال به داش کپرو در کناره شرقی دریاچه چلدر با کتیبه‌ای از ساردور دوم و لچشن با کتیبه‌ای از آرگیشتی اول، از جنوب غربی به ایزولی با کتیبه‌ای از ساردور دوم، از جنوب شرقی به کلیشین و داش تپه با دو کتیبه مربوط به دوره منوا، از شرق به رازلیق و نشتبان با کتیبه‌هایی متعلق به آرگیشتی دوم و از غرب به آلتین تپه محدود است.

تأسیس دولت اورارتو الزامی نظامی بود. تهاجمات آشوریها از قرن ۱۲ ق.م. به قبیله «اورواتری» و «نایثری» که به صورت غیر منسجم میان دریاچه وان و ارومیه زندگی می‌کردند در اواسط قرن نهم ق.م. به اتحاد این دو طایفه و شکل‌گیری و ایجاد دولت اورارتو انجامید [۱۲]. آنان تحت لوای حکومت پادشاهی به نام آرامه، در مقابل پادشاه آشور، یعنی سالماناسار سوم (۸۲۴-۸۵۴ ق.م) که قصد لشکرکشی دوباره و تسخیر کشورهای شمال و کشور مانایان را داشت به مقاومت شدید دست زدند. پادشاه آشور توانست آراشکون پایتخت آرامه را در شمال غربی دریاچه وان ویران کند، ولی نتوانست مثل سلف خود کشورهای نایثری را به صورت کلی محو و نابود سازد. شرح این حمله بر روی درهای «بالاوات» نقش گردیده است [۸].

در سال ۸۳۲ ق.م. سالماناسار دستور حمله به کشورهای نایثری را صادر کرد، ولی پادشاهی به نام «ساردور اول» در مقابل وی مقاومت سختی نشان داد تا حدی که پادشاه آشور نتوانست کاری از پیش ببرد. دوران قدرت ساردور اول بین سالهای (۸۲۲-۸۴۰ ق.م) بود. وی مؤسس شهر توشیا پایتخت جدید اورارتو و همان وان امروزی است و اولین کتیبه را که به زبان آشوری نوشته شده از خود به جای گذاشته است [۶].

در سالهای ۸۲۰-۸۳۰ ق.م. ایشیونی پسر ساردور اول توانست قدرت خود را مستحکم کرده، کشور را توسعه دهد. منوا پسر ایشیونی در سالهای (۷۸۵-۸۱۰ ق.م) حکمرانی کرد. این پادشاه به عنوان یک سازنده در تاریخ اورارتو معرفی شده است. او توانست قلمرو اورارتو را از غرب تا رود فرات از شمال تا حدود دریاچه سوان و از طرف جنوب شرقی تا دریاچه ارومیه گسترش دهد و دستور نوشتن کتیبه‌ای را در تاش تپه نزدیک میاندوآب داد که حاکی از تسلط وی بر کشور مانایان است.

با اتمام آرگیشتی اول پسر منوا در حدود ۷۶۴-۷۸۶ ق.م. محدوده اورارتو از وجود آشوریها پاک شد و وی جنگهای پدري را بر علیه سرزمین آشور از سر گرفت [۴].

ساردور دوم پسر آرگیشتی اول در سالهای ۷۳۰-۷۶۰ ق.م. قلمرو اورارتو را به حداکثر وسعت خود رساند و حتی با تسخیر حلب وسعت مملکت خود را تا سواحل دریای مدیترانه گسترش داد و دستور نوشتن کتیبه‌ای را در کناره دریاچه چلدر، کتیبه دیگری را در سفندل نزدیک ورنقان [۹] و نیز یک کتیبه دیگر را در ایزولی [۷] داد.

بعد از ساردور دوم «روسای اول» به حکومت رسید. او از مانایان، سواحل شرقی دریاچه ارومیه



را گرفت و ماساسیر را دوباره فتح کرد.

با سقوط تیکلات پیلسر سوم پادشاه آشور، سارگون دوم جانشین وی گردید (۷۰۵-۷۲۱ ق.م). وی در هشتمین سال سلطنت خود با حمله به فلات ایران (۷۱۴ ق.م) با روسای اول که با مانایان متحد شده بود وارد جنگ شد و وی را به سختی شکست داد. او به هنگام مراجعت، ایالت موساسیر را نیز تسخیر کرد که شرح این فتح بر یک نقش برجسته سنگی که از قصر سارگون دوم در خورس آباد به دست آمده حک شده است [۱۴]. روسای اول پس از شکست هنگام فرار خودکشی کرد و بار دیگر سلطنت اورارتو به وسیله آشوریها در هم شکسته شد.

«آرکیشتی دوم» در سالهای ۶۸۰-۷۱۳ ق.م. حکومت کرده است. شاید او آخرین پادشاهی باشد که با ساخت قلعه آلتین تپه موجودیت اورارتو را در این منطقه مسجل ساخت [۱۰]. از زمان حکومت وی هیچ گونه نوشته‌ای که مربوط به حرکات نظامی باشد، در دست نیست و گمان می‌رود وی فقط اهتمام به استحکام سیاست نابسامان داخلی کشور داشته است [۱۱].

بعد از آرکیشتی دوم پسرش «روسای دوم» در سالهای ۶۴۶-۶۸۰ ق.م به قدرت می‌رسد و به حکومت اورارتو دوباره جان می‌بخشد. او دستور احداث باغها و حفر قناتها و ساختن قلعه‌هایی مانند کف قلعه سی، بسطام و توپراق قلعه را صادر کرد.

پس از روسای دوم «ساردور سوم» در سالهای ۶۱۰-۶۴۶ ق.م. به حکومت رسید. نوشته‌ای از وی در جنوب دریاچه وان پیدا شده است که در آن بر خلاف دیگر شاهان، خود را شاه «بیائینی» و یا «توشپا» خوانده، بلکه پسر «راپی» نامیده است [۹]. پس از وی پادشاهی به نام آریمن^۱ بر تخت نشست و پس از آریمن پسر وی «روسای سوم» به حکومت رسید که دستور ساخت معبدی را در توپراق قلعه داد. این پادشاه آخرین پادشاه اورارتوست که در اسناد مکتوف آن قوم از وی یاد شده است.

تاریخ معماری دفاعی اورارتو حکایتی پر بار از کوششها و پیروزیهای مردم این منطقه بر محیط و اقوام پیرامون خود در طول سه قرن تمدن است. جنگهای پایان‌ناپذیر و افکار کشور گشایانه پادشاهان اورارتو باعث توسعه این معماری و وجود تغییرناپذیر آن در چشم انداز این دوره گردید.

در مطالعه معماری اورارتو، سه عامل مهم را باید مدنظر داشت: ۱. توپوگرافی، ۲. تغییرات مختلف مرزها در طول سه قرن تمدن، ۳. حق تقدم دولت در مورد اجرای سیاست نظامی و اقتصادی.

علی‌رغم عناصر متأثر از معماری آن زمان بین النهرین و هیتی، در معماری نوپای اورارتو شاهد سیر خاصی از تکامل و پیشرفت، مطابق با یک منطقه بسیار دشوار- و حتی در بعضی موارد خصمانه- هستیم. سرزمینی با چنان ناهمواریها و آب و هوای متغیر نیازمند یک معماری قابل انعطاف از نقطه نظر استفاده از مصالح ساختمانی مختلف و نیز ساخت انواع مختلف قلاع بود.

برای توجیه این مطلب، دیوارهای دفاعی که جزء خصوصیات مشهود قلاع هستند، اطلاعات بسیار



جالبی را در اختیار می‌گذارند. به طور عمومی ساختمان این دیوارها از یک شالوده، کرسی سنگی، و قسمت فوقانی ساخته شده از خشت خام تشکیل شده است. قسمت خشتی را به ندرت می‌توان سالم یافت، زیرا این ماده ساختمانی بسیار آسیب‌پذیر بود و به دشواری تغییرات جوی و حملات دشمن را تحمل می‌کرد. وجود این قسمت به استناد حفاریهای مختلف از جمله حفاریهای بسطام، عقرب تپه، چاوش تپه، آیانیس و... ثابت شده است که با مقایسه ابعاد آنها، می‌توان اختلاف در ساخت آنها را برآورد کرد [۱۳].

در روش ساخت شالوده در تمام عمر این معماری مشاهده می‌شود: در روش اول تخته سنگهای دامنه کوهستان را به صورت پله‌ای بریده، اولین ردیفهای سنگ را برای استقرار کرسی دیوارها در آن جا می‌دادند که در بسطام، چاوش تپه و قلعه وان چند نمونه از این روش ساختمانی را به وضوح می‌توان مشاهده کرد (عکس ۱ و ۲).

در روش دوم بالای تپه را به صورت مسطح در می‌آوردند و یا اگر حالت طبیعی تپه اجازه می‌داد، دیوارها مستقیماً روی آن قرار داده می‌شد که آشانی انزاف و آلهوردی کند نمونه‌هایی از این طرز ساخت به شمار می‌روند (عکس ۳).

کرسی سنگی دیوار عنصری است که می‌شود بهتر از هر چیز دیگر روی آن تأمل و مطالعه کرد. این قسمت باعث حفظ قسمت‌های فوقانی دیوار شده، آن را از تخریب توسط آبهای جاری در پای دیوار، مصون نگه می‌دارد. این قسمت از دیوارها عمدتاً از دو جداره خارجی و داخلی مرکب از سنگهای بزرگ به وجود آمده که بین آنها را سنگهای خردتری پر می‌کند. طرز سنگ چینی این جداره‌ها متفاوت است که می‌توان آنها را در چهار نوع طبقه بندی کرد:

۱. خرسنگی یا سیکلوپین^۲

در این طریق، سنگها همان طور که از معادن استخراج می‌گردیدند استفاده می‌شدند یا اینکه رویه‌های بیرونی آنها کمی تراش داده می‌شد. در این نوع سنگ چینی، حفردهای نسبتاً بزرگی بین قطعات سنگی به وجود می‌آمد که آنها نیز توسط سنگهای کوچکتر پر می‌شد.

گرچه این طرز سنگ چینی نشانگر اوایل دوره اورارتویی [۲] است، ولی در طول سه قرن تمدن اورارتو شاهد کاربرد آن در تأسیسات نظامی هستیم، که زیویستان مربوط به قرن نهم ق.م. اوزابرد مربوط به قرن هشتم ق.م و آیانیس مربوط به قرن هفتم ق.م. نشانگر این امر هستند (عکس ۴).

۲. چند ضلعی یا پولیگونال^۳

این نوع سنگ چینی به سازنده اجازه می‌داد تا سنگهایی را که از معادن استخراج می‌کردند، به بهترین نحو مورد استفاده قرار دهد. وجود اتصال باعث مقاومت بیشتر و به هم پیوستگی بهتر سنگها می‌شد و



2. cyclopean

3. polygonal

خطوط ملایم و معوج در بدنه کرسی، سبب تشکیل یک نوع آرابسک می‌گردید. نمونه‌های این نوع سنگچینی در یوخاری آنزاف، قلعه آرمویر و قلعه گاوور نزدیک خوی وجود دارند (عکس ۵).

۳. دوزنقه‌ای یا تراپزویدال^۴

این نوع سنگ چینی فکر استفاده هر چه بیشتر از سنگهای استخراج شده از معادن را با فکر یک نوع نظم و تزیین تلفیق می‌کرد و روشی است بین چند ضلعی و چهارگوش منتظم. سنگهای این گونه دیوارها چهار ضلعی و اختلاف آن با چهارگوش منتظم در خط درزهای عمودی است که در این روش، این خطوط به صورت مایل هستند. استفاده از این روش در قرن هشتم ق.م. بسیار معمول بوده و نمونه‌های آن در کورزوت قلعه، قلعه گاوور نزدیک مرند و وان قلعه قابل مشاهده است.

این روش انواع مختلفی را شامل است: قلاعی مثل گاوور نزدیک مرند نمایانگر نحوه‌های ابتدایی آن و دیوارهای شمالی قلعه وان نوع پیشرفته این روش را ارائه می‌دهد. سبک دیگر این نوع سنگ چینی از سنگهایی است که سطوح خارجی آنها به صورت بادبرده، بریده شده است (عکس ۶ و ۷) که نمونه‌هایی از آنها را در کورزوت قلعه و دیوارهای شرقی قلعه علیای چاووش تپه می‌توان مشاهده کرد (عکس ۸).

۴. چهارگوش منتظم یا رکتانگولر^۵

در اواخر قرن هشتم ق.م. علاقه به نظم و زیبایی، سازندگان اورارتویی را وادار به استفاده از روشی کرد که در آن از سنگهایی با سطوح بسیار منتظم استفاده شده است. در این نوع سنگ چینی، قطعات سنگی با زاویه‌های قائمه بریده شده و تمام خطوط افقی و عمودی به صورت قائم هستند.

این تکنیک نیز مثل تکنیکهای قبلی انواع مختلفی را شامل می‌شود که طرز ابتدایی آن را دیوارهای قلعه سفلائی چاووش تپه و نوع پیشرفته آن را در دیوارهای جنوب شرقی آیانیس و منطقه اوج قلعه واقع در چاووش تپه می‌توان دید (عکس ۹، ۱۰ و ۱۱).

دیوارهای شمالی کف قلعه، دیوارهای جنوبی قلعه آیانیس و دیوارهای غربی قلعه میانی بسطام معرف نوع دیگری از این تکنیک هستند که در این سبک علاوه بر انتظام قطعات سنگی، سطح بیرونی به صورت بادبرده تزیین یافته است (عکس ۱۲ و ۱۳).

برخی از متخصصان اورارتوشناسان مثل چلینگیراوغلو [۳] یا آذرپی [۱] تنوع سنگ چینی به کار گرفته شده در روی دیوارهای دفاعی قلعه‌ها را تکاملی در سیر تاریخی دانسته، حتی آنها را شاخصی برای تعیین قدمت قلاع این دوره دانسته‌اند. ولی باید دانست که نوع سنگ چینی سیکلوپین (خرسنگی) فقط به قرن نهم ق.م. مختص نبوده و در قلاعی مثل اوزابرد متعلق به قرن هشتم ق.م. و آیانیس متعلق به قرن هفتم ق.م. نیز مشاهده می‌شود. یا اینکه سیستم تراپزویدال مختص قرن هشتم ق.م. نیست و در قلاعی مثل کورزوت قلعه - متعلق به قرن نهم ق.م. - یا قلعه گاوور نزدیک مرند - متعلق به قرن هفتم



ق.م- مورد استفاده قرار گرفته است. به علاوه به طوری که از تمام شواهد و دلایل مکشوف در آیانیس بر می آید، دیوارهای شرقی با تکنیک سیکلوپین همزمان با دیوارهای جنوبی هستند که با تکنیک چهارگوش منتظم ساخته شده‌اند. این امر نشانگر این نکته بسیار مهم است که معماران اورارتو- بدون در نظر گرفتن شاخص زمانی - در مواقعی که الزام به سرعت عمل یا صرفه‌جویی داشته‌اند از این تکنیک استفاده می‌کرده‌اند.

همان طوری که در سنگ چینی دیوارهای دفاعی از روشهای مختلف استفاده شده است، اختلافاتی نیز در شکل قلاع و طرز استفاده و نحوه استقرار عناصر دفاعی در دیوارهای آنها به چشم می‌خورد. معماران اورارتویی خیلی زود توانستند از امکانات زمین و توپوگرافی تپه استفاده کرده، قلاعی با اشکال گوناگون ایجاد کنند. البته در شکل و نقشه قلاع، تکاملی حقیقی در سیر تاریخ ملموس نیست. قلعه‌های قرن نهم ق.م- چهارگوشه بوده و حتی زمانی که توپوگرافی تپه اجازه نمی‌داد معماران اورارتویی با ساختن صفاهایی، دیوارها را تا آنجا که ممکن بوده به طور مستقیم بنا کرده‌اند که نمونه‌ای از آن در قیز قلعه نزدیک خوی مشاهده می‌شود، ولی نقشه چهارگوشه یک قلعه نمی‌تواند دلیل بر تعلق آن به قرن نهم ق.م- باشد، چرا که قلاع چهارگوشه مثل چرمیک، قلعه گوهر یا نورشون تپه (پلان ۱) مربوط به قرن هفتم ق.م- هستند و به عنوان قلاع کاروانسرا مورد استفاده قرار گرفته‌اند.

از قرن هشتم ق.م- توپوگرافی یا شکل طبیعی تپه، عنصر بسیار مهمی در شکل‌گیری قلعه‌ها بوده است و باعث به وجود آمدن قلاع مدور مثل گردسرا، حسنلو (پلان ۲) و آله‌وردی کند یا ساخت قلاع مثالی شکل مثل آراین برد، قلعه یوخاری داغ (پلان ۳) یا قلاع مستطیلی مثل اوزوب تپه و قلعه آشاهی کرول (پلان ۴) را باعث شده است.

طرق استفاده از عناصر دفاعی مثل برج یا پشتبند و نحوه استقرار آنها در دیوار قلاع نیز انواع مختلفی دارد. البته در تمام نقشه قلاع این عناصر دفاعی به چشم می‌خورند، ولی در مورد اینکه برآمدگیها برج بوده‌اند و یا پشتبند، جز در مورد برجهایی که در گوشه‌ها و اطراف دروازه‌های قلاع قرار گرفته و کاملاً برای دیدبانی استفاده می‌شدند، نمی‌توان به طور یقین نظر دارد، زیرا برجها وظیفه دفاعی داشته، از ارتفاع دیوار بالاتر هستند، در صورتی که پشتبندها عناصر تقویت‌کننده معماری بوده، ارتفاع آنها از ارتفاع دیوار تجاوز نمی‌کرده است. در مورد وجود برجها و ارتفاع آنها، متون آشوری [۸] و تعدادی قلاب کمر بند [۵] (تصویر ۱) و حجاریهای به دست آمده در وان (تصویر ۲) و عادلجواز [۲] (تصویر ۳)، اطلاعات بسیار مفیدی را در اختیار قرار می‌دهند.

با استناد به معلومات موجود در این مورد، انواع استقرار عناصر دفاعی در دیوارهای قلاع اورارتویی را می‌توان به چهار گروه تقسیم بندی کرد:

۱. دیوارهای بدون عناصر دفاعی یا تقویتی: چنان که قلعه‌هایی مانند قلعه زیویستان، آشاهی اژراف و قلعه تکرلی نشان می‌دهند، این نوع قلاع در قرن نهم ق.م- ساخته شده‌اند (پلان ۵)، ولی نمونه‌های جدیدتر این سیستم ساختمانی را می‌توان در قلاعی مانند قلعه یوخاری داغ (پلان ۳) و دیوارهای جنوب غربی

جنوب غربی کف قلعه سی که هر دو مربوط به قرن هفتم ق.م. هستند، مشاهده کرد.

۲. دیوارهای دارای برج و پشتبند متناوب: در این نوع قلعه‌ها بین دو برج که با فواصل معینی از هم واقع شده‌اند، یک یا چند پشتبند قرار می‌گیرد. اگر چه ساختمان این قلاع بیشتر به قرن هشتم ق.م. مربوط می‌شود، مانند قلعه حسنلو (پلان ۲)، قلعه سیاه، قلعه گرد سرا و قلعه حیدری، ولی در قرن هفتم ق.م. نیز از این نوع دیوارها استفاده گردیده که قلعه کارمیر بلور از نمونه‌های بارز آن محسوب می‌شود.

۳. دیوارهای شامل برج یا پشتبند دو طرفه متقابل یا متناوب: نمونه‌های این نوع دیوار دفاعی، با اطلاعات و داده‌های اندک باستان‌شناسی. بسیار محدود است که نمونه‌های آن را باید در قلاع آرتاوور (پلان ۶) و ورهرام. و دیوارهای خارجی معبد قلعه علیای چاووش تپه ملاحظه کرد. خصوصیت این نوع دیوارها دارا بودن برج یا پشتبند در هر دو جداره آن است که این عناصر یا به صورت متقابل قرار می‌گیرند و تشکیل برجی عظیم می‌دهند، مثل قلعه آرتاوور یا به طور متناوب در جداره‌های داخلی و خارجی قرار می‌گیرند، مانند دیوارهای شرقی قلعه ورهرام.

۴. دیوارهای شامل برج یا پشتبند با فواصل مساوی: ساختمان این نوع دیوارها شامل تعدادی برج یا پشتبند یکسان. با فواصل مساوی از یکدیگر است. این طرز ساختمان دیوارها خصوصاً در اواخر قرن هفتم ق.م. مرسوم بوده است که قلعه‌های بسطام، لیوار، کوه زنبیل (پلان ۷) و قلعه گاوور نزدیک مرند نمونه‌هایی از آن را به نمایش می‌گذارند. البته چند نمونه قدیمیتر این سیستم ساختمانی را در قلاعی مثل کانهجلی، کورزوت قلعه و یوخاری آتراف می‌توان مشاهده کرد.
با این طبقه بندی می‌توان نتیجه گرفت:

۱. یک دوره می‌تواند دارای دو سیستم ساختمانی مختلف باشد، مانند قلعه سیاه و قلعه لیوار، هر دو متعلق به قرن هشتم ق.م. که قلعه سیاه دیواری از نوع دوم دارد در صورتی که قلعه لیوار نشانگر دیوارهای نوع چهارم است.

۲. در ساخت یک قلعه در مقطع زمانی معین دو نوع مختلف دیوار دفاعی را در کنار هم می‌توان مشاهده کرد، مثل قلعه ورهرام متعلق به قرن هشتم ق.م. که دیوارهای جنوبی آن از نوع دوم است و سایر دیوارها از نوع سوم.

۳. با اینکه بعضی از محققان در طبقه‌بندیهای خود، شاخص قرن هفتم ق.م. را نوع چهارم دانسته‌اند و شاخص قرن نهم ق.م. را نوع اول معرفی کرده‌اند، وجود قلاعی مثل کانهجلی، متعلق به قرن نهم ق.م. با دیوارهای نوع اول یا کف قلعه سی، متعلق به قرن هفتم ق.م. با دیوارهای نوع چهارم، بطلان این طبقه‌بندی را ثابت می‌کنند.

۵. نتیجه‌گیری

انسان در طول زندگی خویش شهرهای اولیه را در نقاطی ساخته که از عناصر اصلی ایجاد شده نظیر

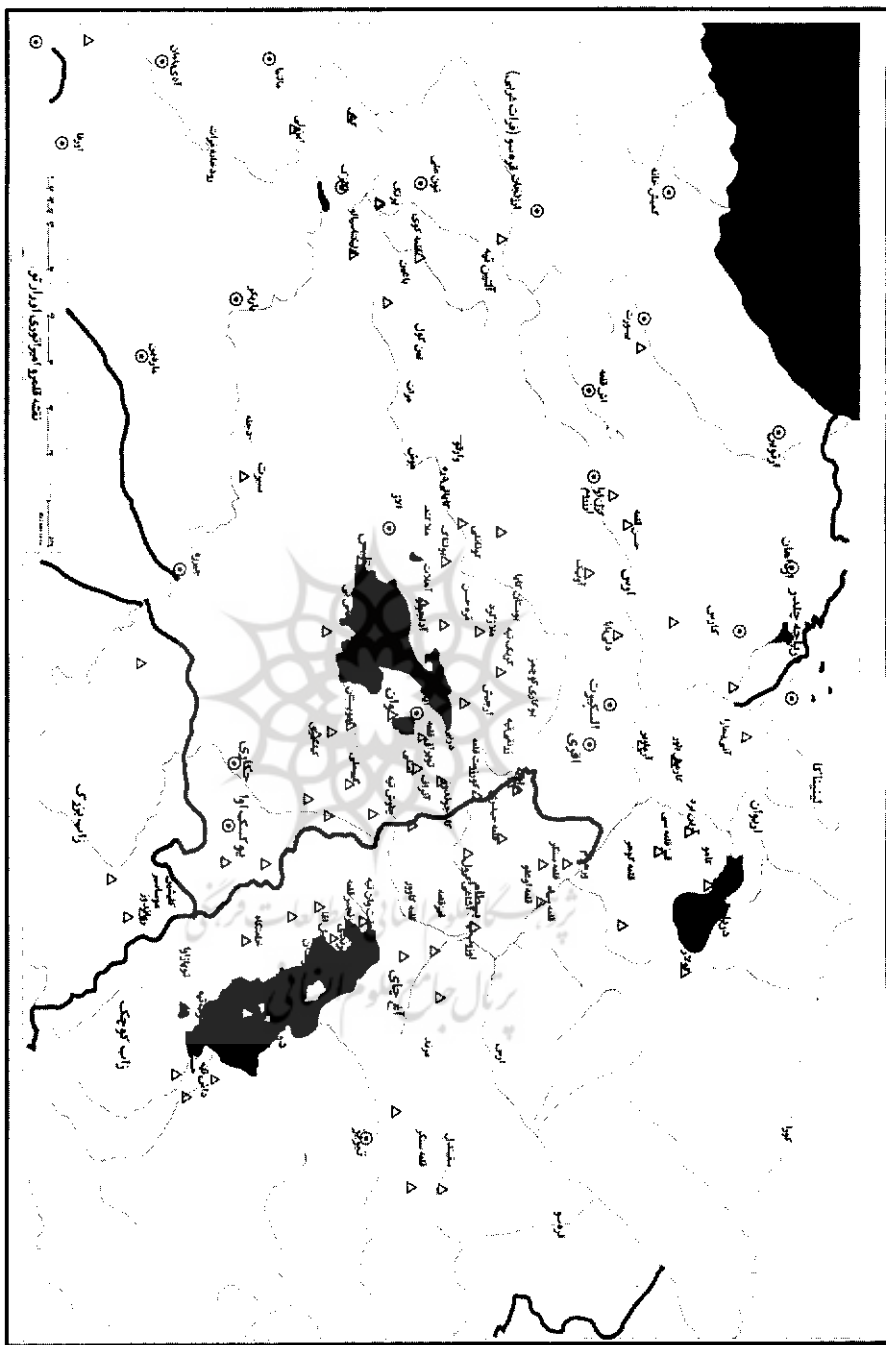


آب کافی، زمین مناسب و نزدیکی به راههای تجاری برخوردار بودند؛ اما بروز تهاجمات و لشکرکشیها و تجاوزات موجب شد که اصل مهم دیگری را نیز در ایجاد شهرها مورد توجه قرار دهد. که در آن، جاذبه دفاعی شده بود. لذا انتخاب نقاط مرتفع و ایجاد دیوارهای دفاعی به عنوان یک اصل مطرح گردید. در دولت اورارتو که علت تأسیس آن، الزامی نظامی بود، این اصل به وجه بسیار مطلوب رعایت گردیده است، بدین نحو که مرتفعترین نقاط که از نظر دفاعی ارزش والایی را حایز بودند و برای بنای قلعه مناسب تشخیص داده می‌شوند شناسایی و قلعه در آنها ساخته می‌شد. در تمام طول تاریخ اورارتو، پیوسته جنگهایی بین آنان و آشوریها جریان داشته است و آنچه که نتیجه اولیه این جنگها بود، کسب تجارب و آموختن شیوه‌های متنوع و گوناگون قلعه‌سازی و استحکام بخشی شهرها بوده است. در طرح این قلعه‌ها هیچ الگو و نظم مهندسی معین وجود نداشت و معماران اورارتویی خیلی زود توانستند از امکانات زمین و توپوگرافی تپه استفاده کنند و در سنگ چینی دیوارهای دفاعی این قلعه، روشهای مختلف را به کار ببندند.

در نتیجه می‌توان استنباط کرد که اورارتوییها سیاست مشخصی در ساخت قلاع نداشتند و در طرق مختلف ساخت قلاع آنها در گذشت ایام، تکاملی به چشم نمی‌خورد. روشهای ساخت قلاع توسط اورارتوییها بر حسب الزامات سوق الجیشی، عملکرد قلاع و توپوگرافی محل به کار گرفته می‌شده است.

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی





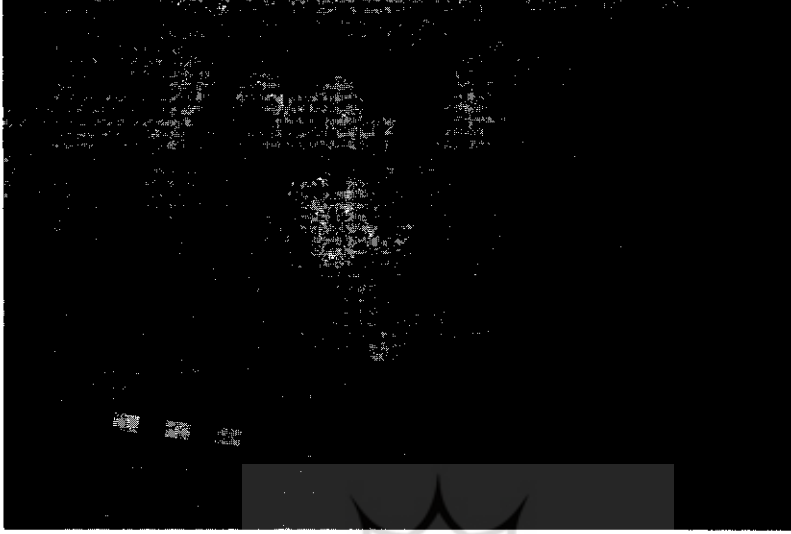
نقشه ۱ محدوده جغرافیایی اورارتو



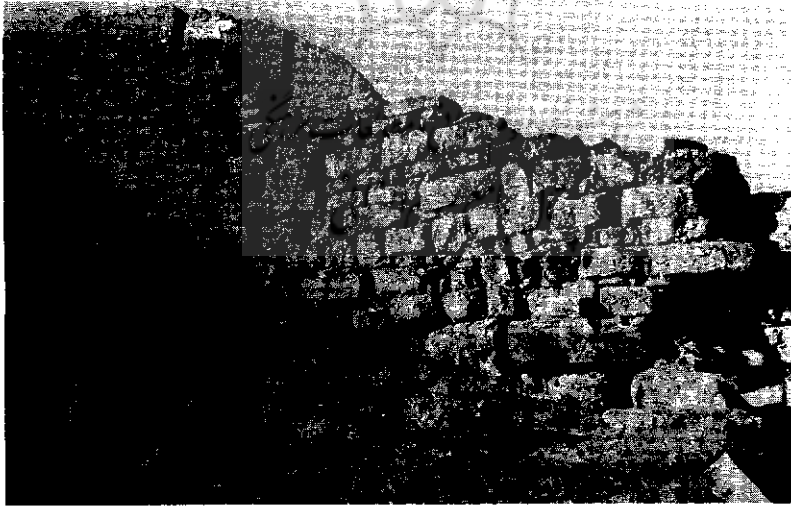
عکس ۳ آشاغی آنزاف. دیوارهای جنوب غربی



عکس ۴ آیانیس. دیوارهای شرقی



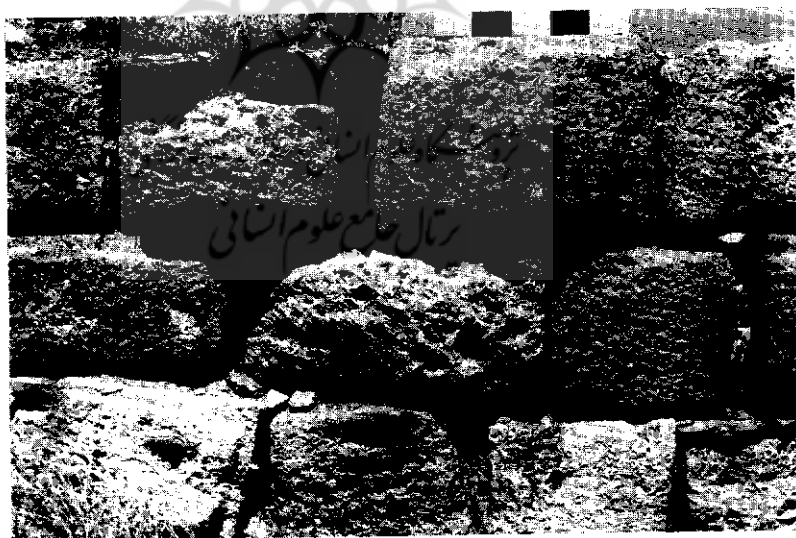
عکس ۵ یوخاری آنزاف. دیوار غربی



عکس ۶ قلعه گاوور (نزدیک مرند)



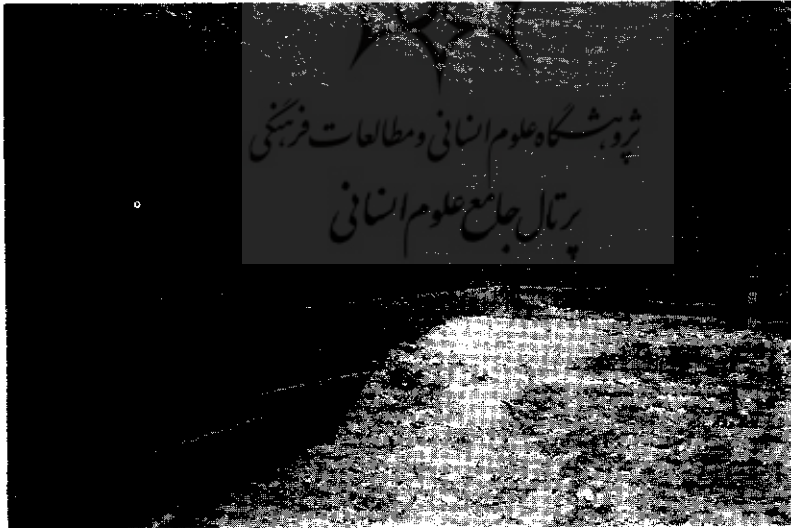
عکس ۷ قلعه وان، دیوار شمالی



عکس ۸ چاروش تپه، قلعه علیا، دیوار شرقی



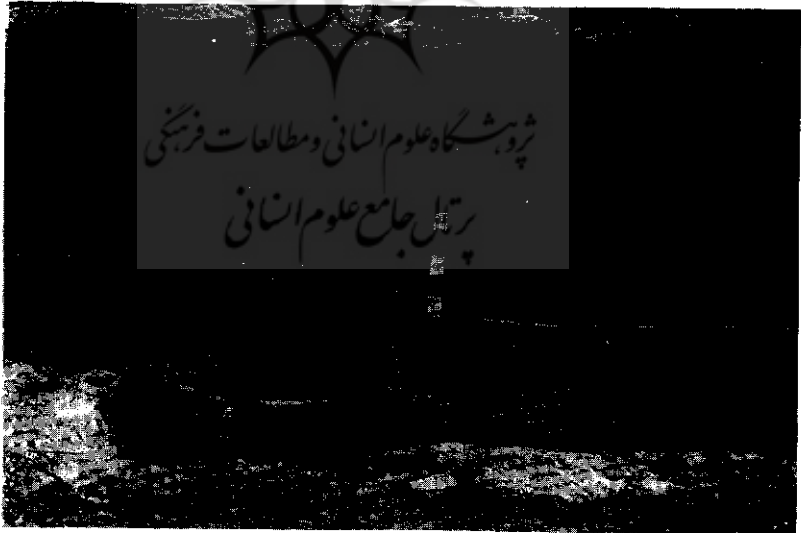
عکس ۹ چاووش تپه، قلعه سفلی. دیوار جنوبی



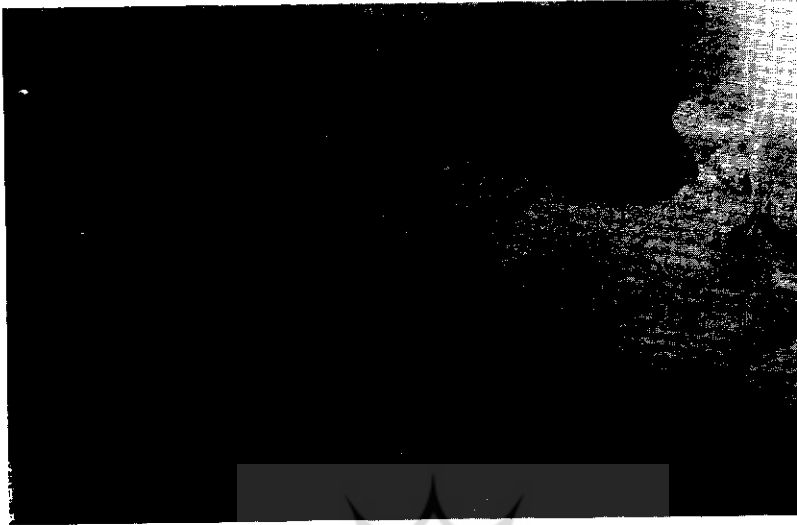
عکس ۱۰ آیانیس. دیوار جنوب شرقی



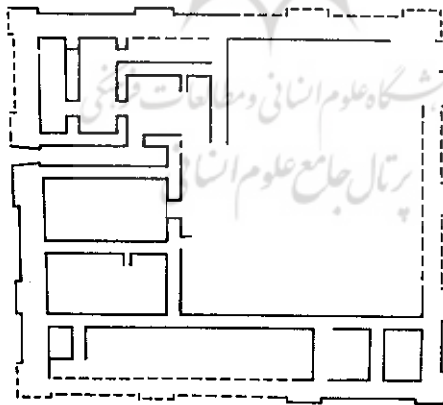
عکس ۱۱ چاوش تپه، اوج قلعه. دیوار جنوبی



عکس ۱۲ آیانیس. دیوار جنوبی

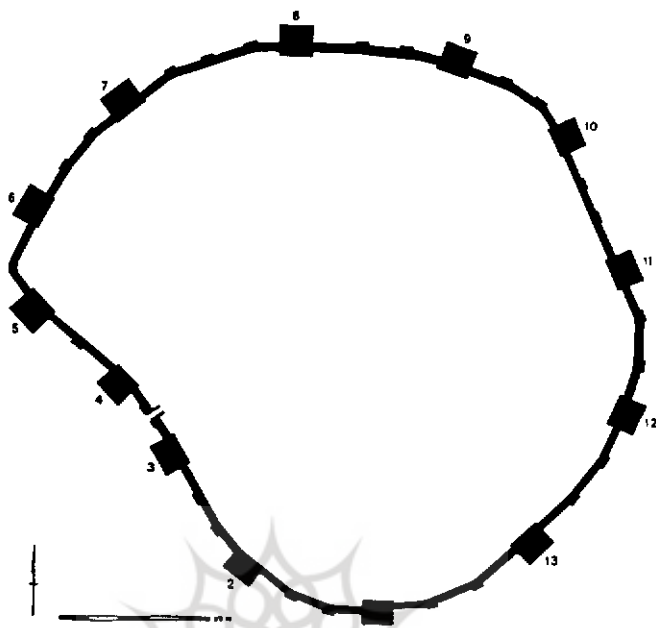


عکس ۱۳ قلعه میانی بسطام. دیوار شرقی

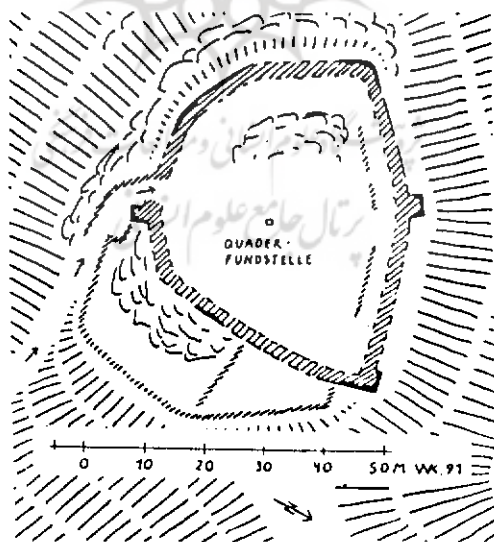


0 10 20m.

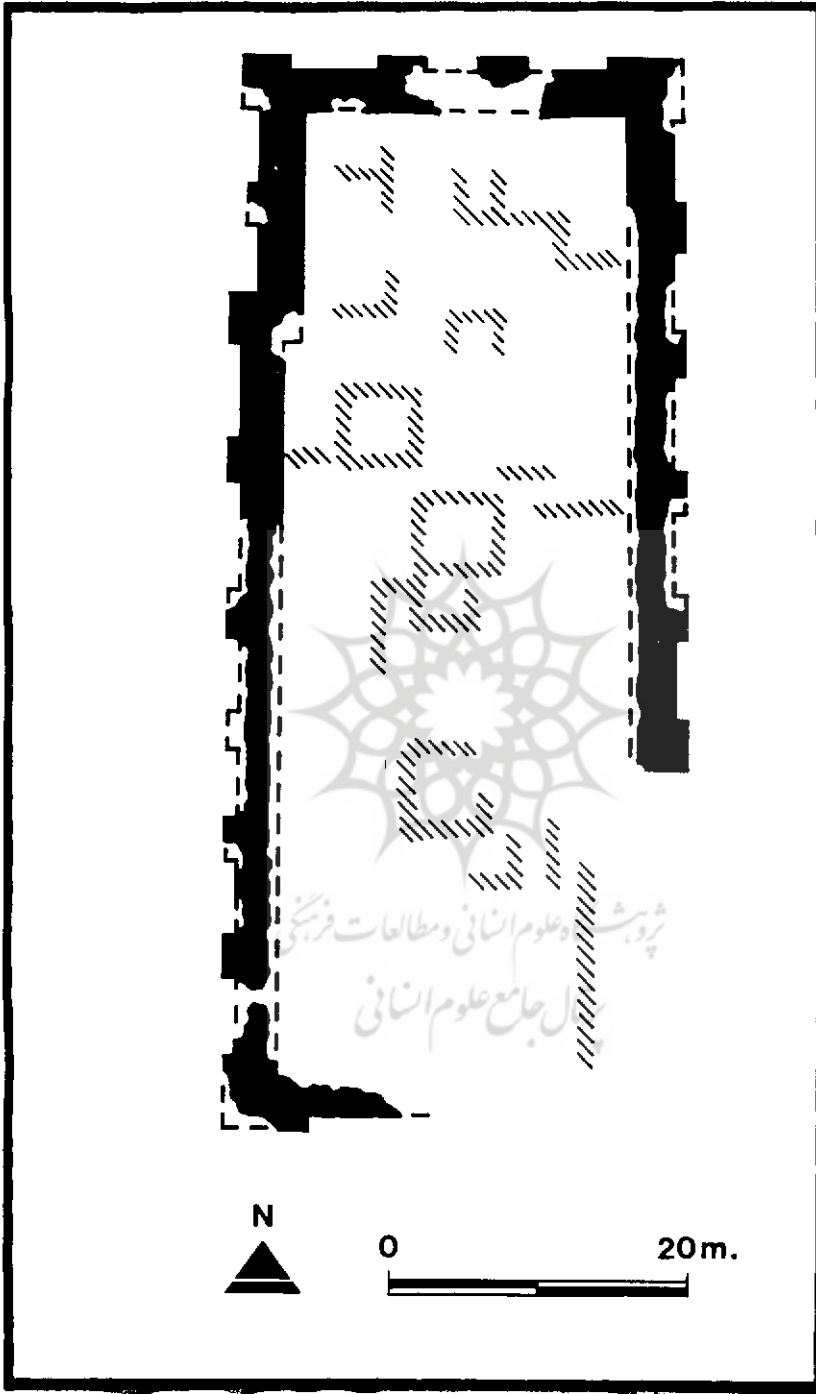
پلان ۱ قلعه نور شون تپه



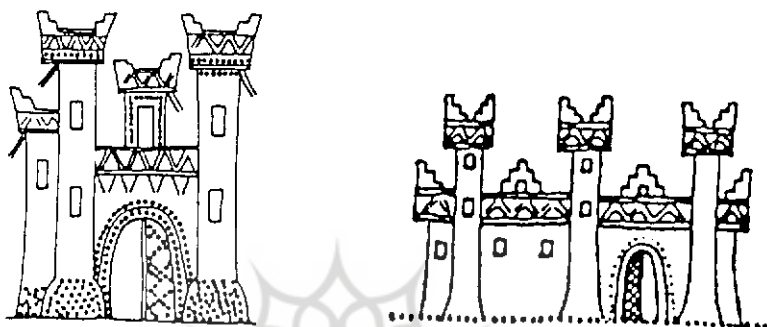
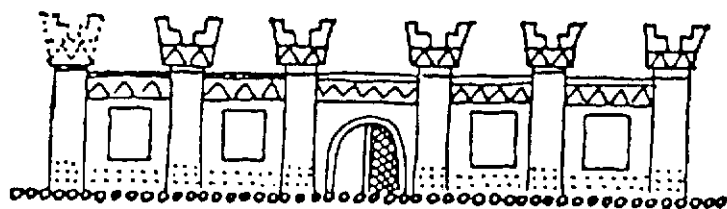
پلان ۲ قلعه حسینلو



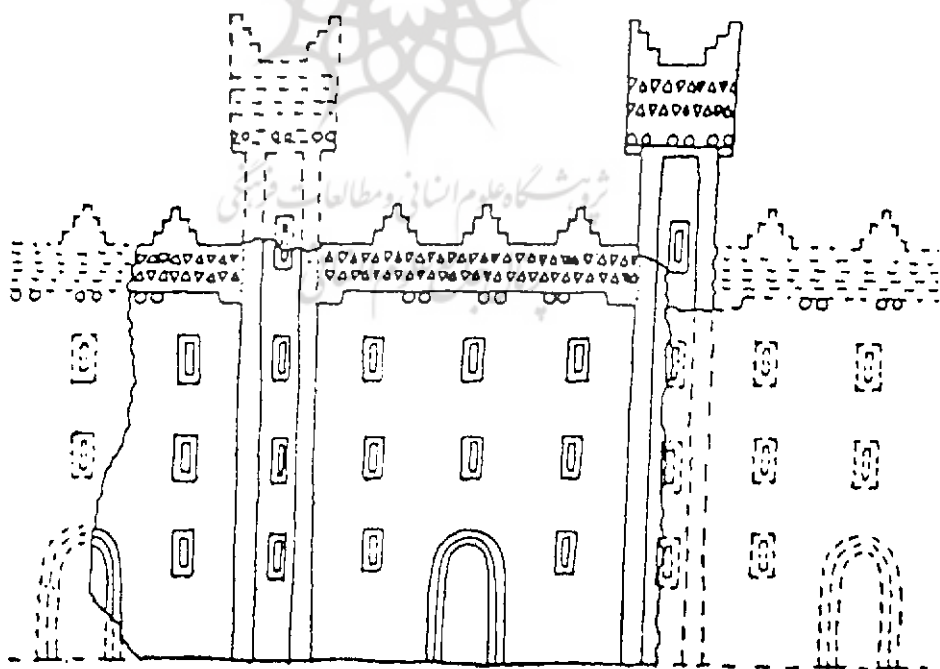
پلان ۳ قلعه یوخاری داغ



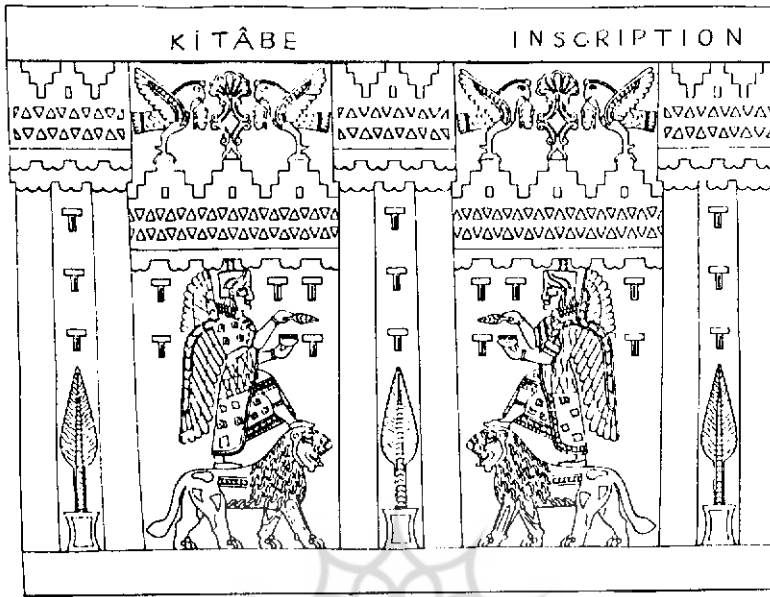
پلان ۴ قلعه آشاغی کرول



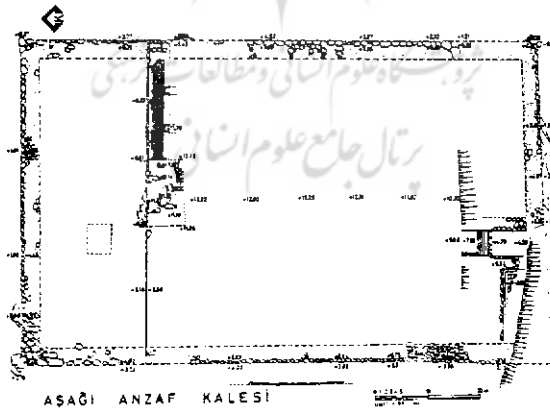
تصویر ۱ نقش چند نمونه از قلابهای کمر بند



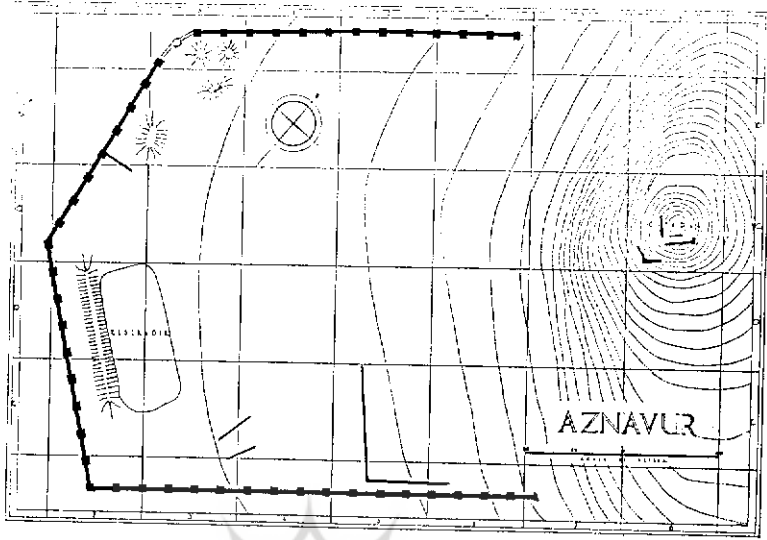
تصویر ۲ نمونه ماکت مفرغی پیدا شده در وان



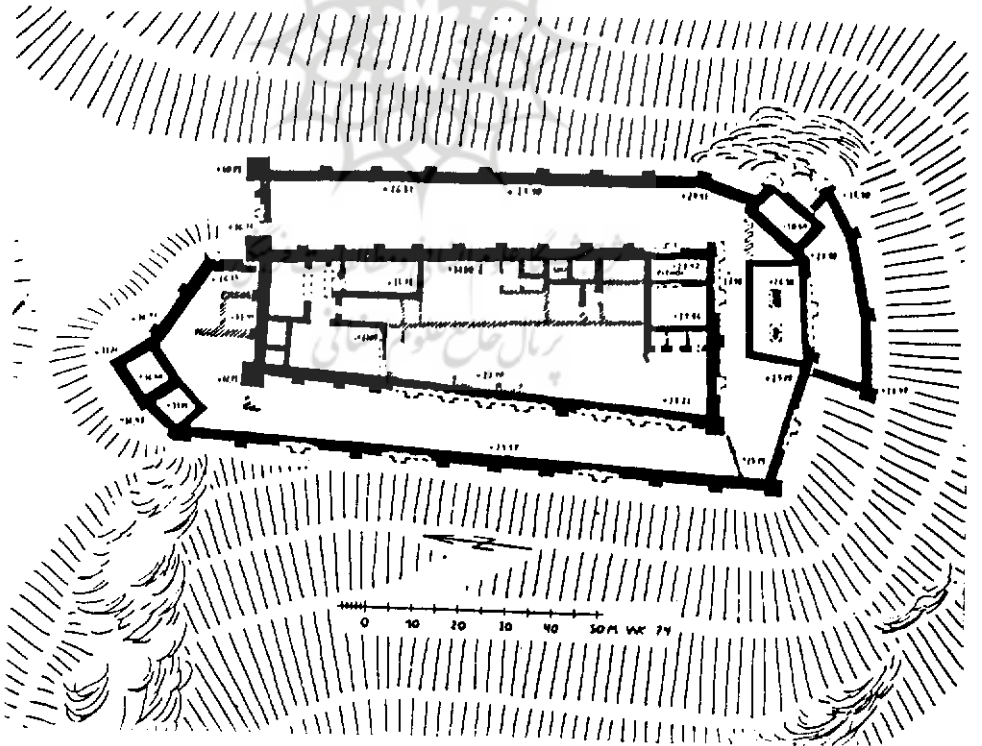
تصویر ۳ نقش برجسته عادلجواز



پلان ۵ قلعه آشاغی آنزاف



پلان ۶ قلعه آزناوورتپه



پلان ۷ قلعه کوه زنبیل



- [1] Azarpay,G.,*Urartian Art and Atifacts*, Los Angeles.1968, p.88.
- [2] Bilgic,E. and B.Ogun, " Excavations at kefkalesi of Adilcevaz", *Anatolia*, No.8, p.115.
- [3] Cilingiroglu,A.A., " Urartu Sur duvarlari,Uzerine dusunceler" *Arkeoloji ve Sanat Dergisi* ,No.2, P.33,28-37.
- [4] Grousset,R.,*L'Histoire de L Armenie*,Paris, 1947, p.53.
- [5] Kleiss,W, " Darstellungen Urartaicher Architektur", *Archaeologische Mitteilungen Aus Iran*, Bd,15, pp.53-77.
- [6] Konig,F.W, " Haudbch der Chaldischen Inschriften ", *Archive fur Orientforschung*, Beiheft,Graz, p.37.
- [7] Koroglu,K. *Urartu Kirallegi doneminde Elazig(Alzi) ve cevresi*,Istanbul., 1996, p.97.
- [8] Luckenbill,D.D., *Ancient Records of Assyria and Babylonia I*, Chicago. 1926, p.224-164.
- [9] Mashkoor,M.J. *The History of Urartu*,Tcheran., 1966, p.66,39.
- [10] Ozguc,T., *Altintepe I,Architectural Monuments* Ankara, 1966, p.69.
- [11] Piotrovski,B.B. *The Ancienit Civilization of Urartu*, New York. 1969, p.129.
- [12] Salvini,M. *Nairie Uruatri,Contriboto alla storia della formazione del regno di Urartu*,Roma., 1967, p.13.
- [13] Tarhan,T, " Urartu Merkezlerinde Meydana Cikarilan Kerpic Mimarinin Korunmasi ve Onarimi Hakkinda Onceriler ", *M.T.R.E.B*, No.4, p.53.
- [14] Thureaue, Danguin, *Une Relation de la Huitieme campagne de Sargon (714 av.J.C.)*Paris., 1912, p.XVIII.

